



بکت

آ. آلواریز / مراد فرهاد پور

فهرست

یادداشت مترجم.....	۷
۱. مقدمه: گنگی و امر گنگ.....	۲۱
۲. آثار اولیه: نهالی شاداب و نیرومند.....	۳۶
۳. رمانها: راسته ویرانی.....	۵۵
۴. نمایشنامه‌ها: حرّافی مُدام.....	۱۲۴
۵. رادیو: خدایا، عجب سیاره‌ای.....	۱۷۲
۶. آثار متأخر: تخیل مرده.....	۱۸۹
۷. مؤخره، ۱۹۷۳.....	۲۰۵
برای مطالعه بیشتر.....	۲۱۰
ضمایم.....	۲۱۳
سه گفتگو:.....	۲۱۷
ساموئل بکت و ژرژ دوتویی.....	۲۱۷
سانتورهای دکارتی.....	۲۳۲
متن نمایشنامه من نه.....	۲۵۳

مقدمه: گنگی و امر گنگ

(الف)

هنگامی که در انتظار گودو، برای نخستین بار در ۱۹۵۳ در پاریس، به صحنه آمد، ساموئل بکت به حدود پنجاه سالگی رسیده و عملاً ناشناخته بود. هر چند نزدیک به ربع قرن بود که آثارش را منتشر می کرد، اما در کارنامه اش چند کتابی بیش نداشت. در ۱۹۲۹ برای مجموعه ای به افتخار جیمز جویس مطلب نوشته بود، این مجموعه که محفل مریدان جویس، تحت عنوان خیالات آزمایی ما حول و حوش واقعیت ورزی او برای شیرازه گنگی اثر ناتمام^۱، منتشر کردند، یکی از آن کتابهایی بود که سرنوشتشان، حتی از همان بدو کار معلوم است و گویی مقرر است که جزو کلکسیون کتاب بازان در آیند. طی دهه

۱. Our Exagmination Round His Factification For Incamination of Work In Progress: ترجمه این عبارت نه به فارسی که به هر زبان دیگر ناممکن است؛ چه بسیاری از واژه های آن از ترکیب چند واژه ساخته شده اند مثلاً Exagmination احتمالاً از آمیزش Examination و Imagination و الخ. ضمناً Work In Progress اشاره به بیداری فینگان ها آخرین اثر جویس است. (م)

با این همه حتی هم‌اینک نیز کل محصول ادبی او به نسبت ناچیز است، و گویی هر چه می‌گذرد، ناچیزتر هم می‌شود؛ آثار او در عین حال به‌غایت دشوار است و به جرأت می‌توان گفت این دشواری با هر اثر جدید افزایش می‌یابد. در واقع، این دو کیفیت، یعنی ایجاز و دشواری، پایه‌پای هم پیش می‌روند: جدیدترین نمایش بکت که نفس نام دارد و کمی پیش از اهدای جایزه نوبل به صحنه آمد، فاقد بازیگر است و حدود ۳۵ ثانیه به طول می‌کشد؛ آخرین رمان او، کمتریّت^۱، که در ۱۴ صفحه کوچک و با حروف درشت به چاپ رسیده است، وصف شخصیتی ساکن است که بی‌حرکت در میان ویرانه‌ها ایستاده است، بکت هنرمندی برخوردار از اصالتی عمیق و خلوصی عمیق‌تر است که همواره از دادن هر گونه امتیازی به خوانندگان سر باز زده است. پایه‌پای افزایش شهرت و اعتبارش، آثار او سردتر و سخت‌تر شده و در همین حال شخص وی نیز بیش از پیش از انظار دوری گزیده است. ظاهراً او همواره قربانی شرم خویش بوده، چنان‌که در محافل و مجامع، طبع خجالتی‌اش خاموشی عذاب‌آوری را به او تحمیل می‌کند؛ از زمانی که به شهرت رسیده، حجب و حیا و سکوت او بیشتر شده است. او از برابر تبلیغات با همان شدت و حدت می‌گریزد که باستر کیتون، در یگانه فیلم ساخته بکت — به نام فیلم — از برابر دوربین فیلمبرداری می‌گریخت. این اثر خود تمثیلی از شرم است که کلام مشهور اسقف بر کلی، بودن همان ادراک شدن است^۲، را به زبان نمایش ترجمه می‌کند، توگویی ادراک شدن خود بدترین عذاب است. از این‌روست که بکت خود برای مصاحبه پیشقدم نمی‌شود،

۱. گمشدگان قبل از کمتریّت (*lessness*) نوشته ولی بعد از آن چاپ شد.

۲. *Esse est percipi* (م)

۱۹۳۰، بکت جسته و گریخته آثاری به چاپ رساند که همگی به همین شیوه مغلق نوشته شده بودند: تحقیقی جدلی درباره پروست، دو مجلد بسیار نازک از اشعار، مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه با عنوان ستیزه‌جویانه‌های بیش از هوی^۱ و در ۱۹۳۸ رمانی کمیک به عنوان مورفی^۲ همه این آثار، تقریباً بدون آنکه ردی برجا گذارند، فراموش شدند. کمی پس از پایان جنگ، در ۱۹۴۷، بکت ترجمه فرانسوی خود از مورفی را به چاپ رساند، که در چهار سال اول ۹۵ نسخه آن به فروش رسید. در آغاز دهه ۵۰، نام بکت با تواتر بیشتری در پاریس مطرح شد — مولوی^۳، مالون می‌میرد^۴، نام‌نابذیر^۵ و در انتظار گودو^۶ که همگی نخست به فرانسوی نوشته شدند، در فاصله ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ منتشر شدند — ولی بکت هنوز هم فقط برای پرشورترین مدافعان و خبرنگاران ادبیات آوانگارد نامی آشنا بود. با این همه، فقط شانزده سال پس از نخستین اجرای گودو، جایزه نوبل در ادبیات به بکت اهدا شد. اما نکته مهم‌تر و نامحتمل‌تر آن بود که برخلاف اکثر موارد دیگر، این بار هیچ‌کس به انتخاب او اعتراض نکرد؛ ظاهراً حق بکت نسبت به این افتخار ادبی غالباً مشکوک، بدیهی و تردیدناپذیر بود. اکنون بکت چهره‌ای جهانی، صاحب‌نظر و مرجعی شناخته‌شده، و نویسنده‌ای با شهرتی عالمگیر بود.

۱. *More Pricks Than Kicks*، عنوانی است برگرفته از یک ضرب‌المثل انگلیسی: *Kicks against the pricks* که خود مأخوذ از *انجیل* و بیانگر وضع کسی است که «سرش بوی قرمه‌سیزی می‌دهد» و حاضر نیست با صاحبان قدرت کنار بیاید. ترجمه تحت‌اللفظی آن «لگدپرانی در قبال سیخونک» است. برگردان فارسی عنوان کتاب بکت، تلاشی است برای ترکیب صدا، معنا و ضرب‌المثل. (م)

2. *Murphy*

3. *Molloy*

4. *Molon meurt*

5. *l'Innommable*

6. *En Attendant Godot*

شهادت دوستش، جان کالدر^۱، بکت نیز، چون جویس، «در یک خانواده معمولی و مرفه طبقه متوسط بالا بزرگ شد که از لحاظ فرهنگی، آزاداندیشی و گرما و محبت خانوادگی تا حد زیادی نمونه بود»^۲. برخلاف جویس، بکت همچون بسیاری از دیگر ادیبان مهم ایرلند به خانواده‌ای پروتستان تعلق داشت؛ او دوره متوسطه را در مدرسه سلطنتی پورتورا در آلستر^۳ پشت سر گذاشت و برای تحصیل در رشته زبانهای جدید به کالج ترینیتی دوبلین رفت و سرانجام در همانجا مدرک فوق لیسانس^۴ گرفت — تجربه‌ای که ظاهراً منبع الهام مضحک ترین بخش رمان *وات* بوده است، بخش مربوط به آزمون شفاهی دانشجوی محقق لویت^۵ در حضور آقایان املدن^۶، ماگرشون^۷، فیتزرواین^۸، دوویکر^۹ و مک اشترن^{۱۰}، بکت از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰، در *اکول نرمال سوپریور*^{۱۱} پاریس ادبیات انگلیسی تدریس کرد و در فاصله ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲ نیز مدرس ادبیات فرانسوی در ترینیتی کالج دوبلین^{۱۲} بود. در پایان این دوره، زندگی دانشگاهی را رها ساخت، برای مدتی به لندن رفت، چندی در شهرهای مختلف اروپا پرسه زد و سرانجام در ۱۹۳۷ در پاریس مستقر شد.

هنگامی که در پاریس به محفل جویس پیوست، تازه مدرک لیسانس خود را از دانشگاه دوبلین گرفته بود و سرش هنوز داغ بود؛ به عبارت دیگر آمادگی آن را داشت تا برای تأیید و پیشبرد جاه طلبیهای ادبی اش، به قدرت‌نمایی آکادمیک بپردازد. مقاله او درباره «دانت...

1. J. Calder

2. *A Samuel Beckett Reader*, ed. John Calder, London, 1967, p. 8.

3. Ulster

4. M. A.

5. Louit

6. O'Meldon

7. Magershon

8. Fitzwein

9. de Baker

10. Mac Stern

11. *École Normal Supérieure*

12. T. C. D.

۲

آثار اولیه: نهالی شاداب و نیرومند

بکت در ۱۳ آوریل ۱۹۰۶ در فاکس راک^۱، نزدیک دوبلین، متولد شد. در آن سال ۱۳ آوریل به جمعه افتاده بود، آن هم جمعه نیک^۲ — تقارنی بس بامعنا برای مردی که بعدها هم به مضمون تصلیب و هم به بدیمنی ناب تولد و هستی توجهی و سواسی نشان داد. بکت نخستین بار در هیئت عضو نسبتاً معقول جمعی از روشنفکران سطح بالای پاریسی پا به قلمرو اهل ادب نهاد که جملگی زیر نظر قطب و مراد خویش، جیمز جویس، سرگرم تجارب جدید ادبی بودند. عضویت بکت از بسیاری جهات پیامد طبیعی وجوه مشترک فکری و اجتماعی او با جویس بود. هر چند بکت به شیوه‌ای می‌نویسد که گویی هرگز بچه نبوده است — یعنی بدون دریغ، حسرت، آسیب‌پذیری عاطفی یا حتی اثر مشخصی از عواطف کودکانه تری چون نرمی و ملاطفت — ولی به

1. Foxrock

2. Good Friday، آخرین جمعه قبل از عید پاک که معرف سالگرد به صلیب

کشیده شدن عیسی مسیح است. (م)